

رسانه مستقل

روزنامه اقتصادی - ورزشی

# دنیای سه وادار

www.donyayehavadar.ir

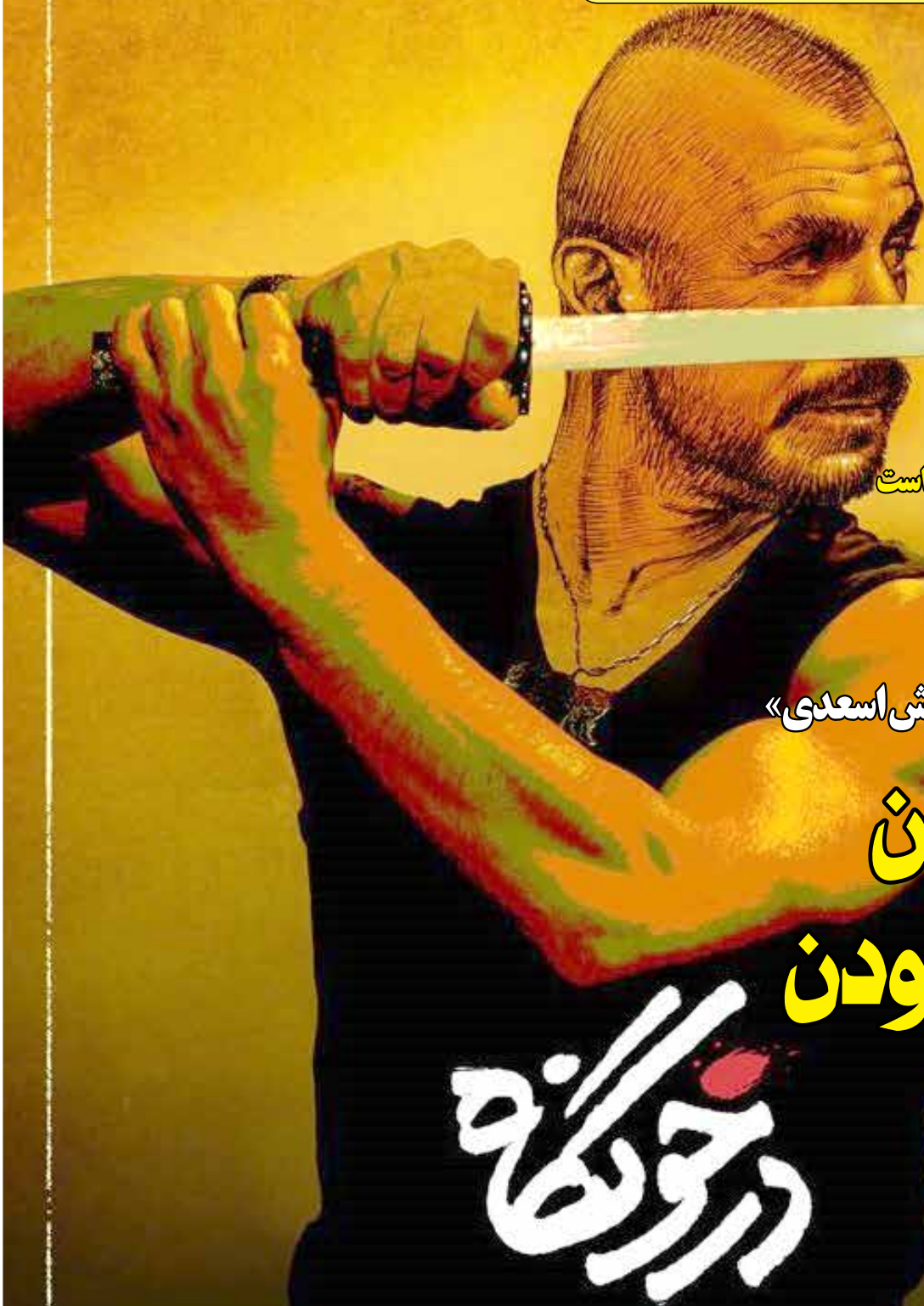
شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۷ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان

۱۷۰

فینال آسیا - ۲۰۱۹



قطر فاتح آسیا



سیاوش اسعدی:

برای دغدغه‌های شخصی ام  
فیلم می‌سازم



کیومرث پوراحمد:

من از سینما  
عذر می‌خواهم



مونا زندگی حقیقی:

مسائل مطرح شده در  
«بنفشه آفریقا» کاملاً واقعی است



نگاهی به «در خونگه» اثر «سیاوش اسعدی»

## بار سنگین میراث‌دار بودن

# در خونگه

نگاهی به «بنفشه آفریقا» اثر «مونا زندگی حقیقی»

کارت پستی و ادا بازی!

فینال آسیا  
سید علی حسینی

نگاهی به «تیغ و ترمه» اثر «کیومرث پوراحمد»

ملغمه ای تازه در سینمای ایران

## دهه فجر انقلاب مبارک

از خون سرخ بهمن سرسبز شد بهاران  
اندیشه باور شد. در امتداد باران  
بر صخره‌های همت جوشیده خون غیرت  
بانگ سرود و وحدت آید ز چشمه ساران  
و الفجر بهمن آمد. فصل شکفتن آمد  
بر پهن‌دشت باور خالی است جای یاران  
:: دهه فجر انقلاب مبارک ::







نگاهی به «تیغ و ترمه» اثر «کیومرث پور احمد»

امتیاز  
(۴ از ۵)

## ملغمه‌ای تازه در سینمای ایران



محمدحسین سیفی

«هدایت بازیگری» در فیلم وجود ندارد. روی هم رفته با نکاتی که گفته شد، فیلم مطلقاً در هیچ بخشی حتی شانس نامزدی سیمرغ هم ندارد. علیرغم اینکه خود کیومرث پور احمد از موسیقی فیلمش به عنوان یکی از بهترین موسیقی سال های اخیر سینمای ایران یاد می کند، اما در چنین فیلمی، موسیقی فردین خلعتبری نیز کاملاً هدر شده است و نه تنها مثر ثمر نیست، بلکه در اکثر دقایق فیلم روی مخ مخاطب می رود. بنابراین، منطقی است که تیغ و ترمه در بخش موسیقی متن هم نامزد نباشد اما داوران و هیئت انتخاب همواره ثابت کرده اند که به «نام ها» توجه زیادی می کنند.

رو به رویی مادر ترمه با عمو جهان در خانه جهان است و یک بار سکانس دستشویی فرودگاه میان ترمه و مادرش که میزانشن ها آنقدر آماتوری و تاریخ مصرف گذشته است که آدم باورش نمی شود پشت دوربین کیومرث پور احمد نشسته باشد. پور احمد یک هدایت بازیگر را در سال های اخیر به خوبی انجام می داد که در این فیلم این نیمچه هنرش را هم با قهقرا فرستاد و دروغ نیست اگر بگوییم هیچ

ترمه تمام تابلوهای نقاشی شان را آتش می زند. او آنقدر ناراحت است که کارگردان برای نمایش این ناراحتی دست به دامن کلیشه های از مد افتاده سینما برای خلوت آدم ها یعنی فریاد خواننده آهنگی غمگین بر سر خلوت کاراکتر می شود. پس از این بیست دقیقه، آقای کارگردان یک فلش بک به «سه ماه پیش» می زند و سراغ درگیری دیبا با گذشته اش می رود. خیلی دوست دارم بدانم اگر بیست دقیقه ابتدایی حذف شود چه اشکالی دارد وقتی قرار است تمام فیلم بر سر همین کشمکش رخ دهد و در پایان هم قرار نیست به زمان حال برگردیم؟ تکلیف نویسنده و کارگردان اصلاً با کاراکتری مانند «امیر» مشخص نیست. اگر در بیست دقیقه اول چنین حضور قدرتمندی دارد، پس چرا در نیمه دوم فیلم رفته رفته کمرنگ و سپس کامل محو می شود؟ درباره تمام کاراکتر های فیلم می توان چنین ایرادات اساسی تی را مطرح کرد اما دلم نمیدانم از کاراکتر «لیلی»، مادر ترمه نگویم که تحول ناگهانی او در انتهای فیلم آنقدر غیر دراماتیک و دفعی می باشد که در نوع خود شاهکاری است و عملاً یک کمدی ناخواسته را در سکانس پایانی به تصویر می کشد.

فیلم در کارگردانی نیز هیچ نقطه امیدوارکننده ای باقی نذاشته است. در سکانس هایی که قاعدتاً بحرانی هستند و قرار است کشمکشی رخ بدهد، جناب کارگردان مانند فیلمسازان دهه چهل و پنجاه، کاراکتر را مقابل آینه قرار می دهد و در آینه دیالوگ می گوید و سپس با یک حرکت محیر العقول به سمت دیگر کاراکتر ها باز می گردد! بهترین نمونه این مساله، یک بار سکانس اولین

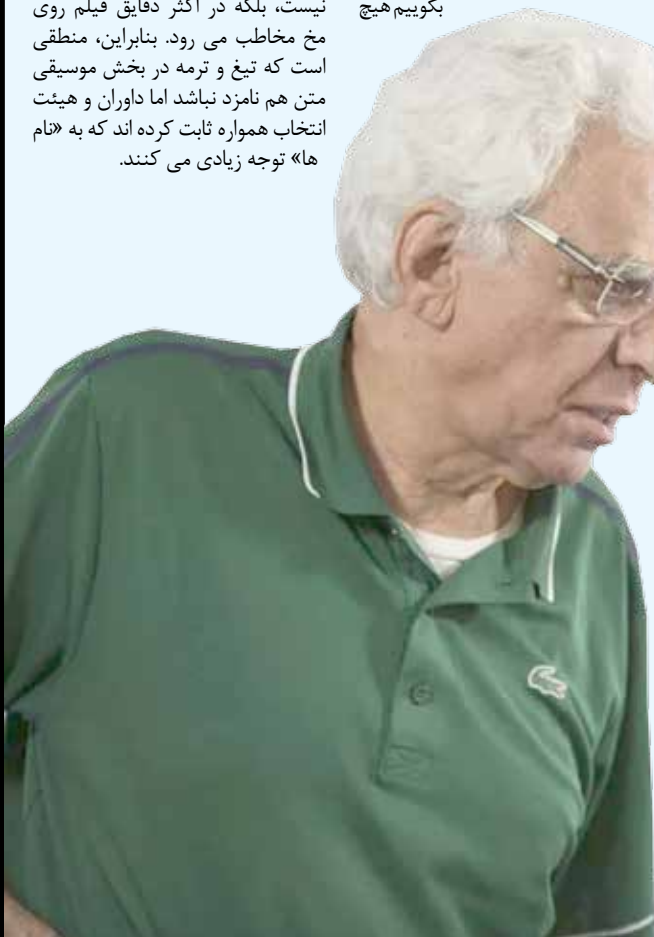
کاراکتر کوچکترین لطمه ای به فیلم وارد نمی سازد. پیش از اینکه فیلم آغاز شود، وقتی پیش از تیتراژ فیلم خبر از یک اقتباس ادبی داد، کمی امیدوار شدیم که بالاخره قرار است در این جشنواره یک فیلم اقتباسی ببینیم و فکر می کردیم احتمالاً بعد از تماشای فیلم، دلمان می خواهد که رمان آن را هم بخوانیم. اما حالا که فیلم تمام شده است، از رمان آن هم احساس انزجار می کنیم. باورمان نمی شود روزی سینما با وام گرفتن از ادبیات بتواند در جهت نابودی آن قدم بگذارد و مخاطب را فرسنگ ها از منبع ادبی فیلم دور کند.

فیلم آقای پور احمد، ملغمه ایست پیچیده از «درام های تین ایجری»، «فیلمفارسی»، «موزیک ویدئو» های رادیو جوان، «سریال های صدا و سیما»ی ایران، «تریلر روانشناختانه» دسته چندمی و البته برخی مولفه های امروزی سینمای ایران. بدبختانه «تیغ و ترمه» همه این ها را داراست اما هیچکدام از این ها هم نیست و فقط یک ناخونک به تمامش زده است. شاید اگر فقط در یکی از عرصه ها کار را جلو می برد، فیلم قابل تحمل تری می شد تا اینکه تمام چیزهایی را که ما در دیگر فیلم ها به عنوان نقطه ضعف آن ها بیان می کردیم، به طور یک جا در تیغ و ترمه مجبور به تماشا شدیم. فیلم هم در فیلمنامه حرفی برای گفتن ندارد، هم اجرای بدی توسط پور احمد شده است، هم بازی بازیگران چیزی فراتر از «آماتور» نیست و هم موسیقی متن چیزی جز مته ای روی اعصاب تماشاگر عمل نمی کند.

در بیست دقیقه ابتدایی ما زندگی خوش و خرم امیر و ترمه را می بینیم که با خیانت امیر همه چیز بهم می ریزد و

نوشتن درباره فیلم هایی که فاقد هر گونه ارزش هنری باشد، خیلی سخت است. از آن سخت تر وقتی است که فیلمساز این اثر فاقد ارزش، شخصی مثل «کیومرث پور احمد» باشد که بخش بزرگی از جامعه ایران با وی خاطره دارند و قطعاً زوال کاری او چیزی جز درد و اندوه برای طرفداران و مخاطبانش به همراه نخواهد داشت. پور احمدی که روزگاری «قصه های مجید» را روی آنتن تلویزیون می برد، چرا باید در ابتدای هفتاد سالگی به جای مهر و موم این کارنامه با آثار قابل تامل تر، کارش به ساخت «تیغ و ترمه» بکشد؟ کسی که «توبوس شب»، «شب یلدا» و «خواهران غریب» را ساخته است، قاعدتاً برای ساخت آثار جدید باید وسواس بیشتری به خرج دهد اما صحبت درباره ظرافت های هنری اثری که در روز دوم جشنواره با آن رو به رو بودیم بیشتر به یک شوخی زنده شباهت دارد. «تیغ و ترمه» در تمامی بخش ها روی فیلمفارسی ها و سریال های درجه دو و سه تلویزیون را سفید می کند. حتی اگر روزی کسی بخواهد فیلمی برای ادای دین به فیلمفارسی های قبل انقلاب بسازد، قطعاً به بدی تیغ و ترمه نخواهد شد.

فیلم ماجرای چند ماه زندگی دخترک نقاشی به نام «ترمه» با بازی دیبا زاهدی است که قصد دارد از راز های گذشته، مرگ پدرش و... پرده برداری کند و در این راه گاهی به زور هم واصل می شود. او دوست و استادی به نام «امیر» با بازی «پژمان بازغی» دارد که هیچ ربطی به این پرده برداری ها ندارد و هیچ کمکی به کاراکتر نمی رساند و به جز بیست دقیقه اول که قرار است خیانت کند که البته همین خیانت هم هیچ ربطی به خط داستان ندارد، حذف این





نشست خبری فیلم سینمایی «تیغ و ترمه»؛

# پوراحمد: من از سینما عذر می‌خواهم



و بعد مردم راضی باشند و فروشی بخورد. اگر این اتفاق بیفتد می رود جزو فیلم های خوب من و اگر اتفاق نیفتد می رود جزو فیلم های بد.»

او ادامه داد: «اول به فیلم پروانه ساخت ندادند و یکسال کلنجار رفتیم که روی مادر بد کار کنیم. در ارشاد به من گفتند تو اسطوره مادر خوب در فیلم هستی. خانم لاله اسکندری هم بازیگر خوبی است هم هنرمند به تمام معنایی است. اگر همه بازیگران می توانستند نقش ترمه را بازی کنند ولی این نقش را قبول نمی کردند اما خانم اسکندری قبول کرد و چه خوب این شخصیت را درآورد.»

قائم مقامی درباره بودجه فیلم گفت: «بودجه دو میلیارد تومان بود که کاملا شخصی است، ۳۰ درصد متعلق به آقای پوراحمد است، ۱۰ درصد متعلق به دوست او و مابقی هم متعلق به من است و اصلا هم رانت نیست.»

او درباره اینکه فکر می کنید مخاطب این فیلم را به فرد دیگری پیشنهاد می کند؟ گفت: «امید داریم فیلم فروش معمولی داشته باشد. سعی خودمان را کردیم و بستگی به شرایط اکران و تبلیغات دارد. من امید دارم به فیلم فروش نسبی برسد.»

پوراحمد تاکید کرد: «من و قائم مقامی دل شیر و کله خر داریم و که فیلم متفاوت بسازیم.»

او همچنین درباره موسیقی فیلم گفت: «موسیقی اتوبوس شب یکی از بهترین ها بود که کسی آن را نفهمید و این فیلم نیز یکی از بهترین موسیقی ها را دارد.»

او در پاسخ به انتقادی درباره بی هویت بودن فیلمش بیان کرد: «من تلاشم را کردم و می کنم و مزخرف ترین فیلم ها را با یک میزان وسواس ساخته ام و اگر بی هویت است من تشخیص ندادم. آوینی می گفت فیلم قصه های مجید با هویت است و اگر این بی هویت است شاید دچار کج اندیشی هایی شدم.»

بابک اردلان در نشست خبری فیلم «تیغ و ترمه» گفت: «من از فیلم «شب یلدا» همکاری ام را آقای پوراحمد شروع کردم، آنجا بوموم بوموم ولی در این فیلم صدا بردار هستم.»

کوروش سلیمانی هم با اشاره به آثار درخشان پوراحمد عنوان کرد: «کیومرث پوراحمد از معدود افرادی است که می دانم هنوز دردمند جامعه اش است و برای هنر ارزش قائل هست. برای همین با افتخار در کنار این گروه درجه یک حضور پیدا کردم.»

موحدیان درباره پایان فیلم توضیحاتی به اهالی رسانه ارائه داد و بیان کرد: «سه پایان برای فیلم می شد رقم بخورد ولی احساس من این بود که دغدغه بیننده شخصیت امیر نمی تواند باشد.»

پوراحمد در پاسخ به این سوال که آیا خودش از اثر راضی است، گفت: «کودن ترین فیلمسازان هم که فیلم می سازند فکر می کنند خوب است. من هر فیلمی را ساختم فکر کردم خوب بوده است و وقتی که نمایش داده شده و مردم دیدند متوجه شدم درنیامده است. بله من راضی هستم. مهم نیست که من راضی باشم مهم این است که شما اصحاب رسانه

کارهای مختلفی با آقای پوراحمد داشته باشید، تا این صحبت را درک کنید.»

در ادامه بازهم تریبون کیومرث پوراحمد باز شد که درباره رضا یزدانی گفت: «اول خودش بعد صدایش و بالعکس. نوشتم صدای زخمی رضا یزدانی بسیار تاثیرگذار است.»

در ادامه پرسش و پاسخ موحدیان درباره تدوین این فیلم گفت: «آقای پوراحمد خودشان از بهترین تدوینگران است. ما شبانه روز برای تدوین این فیلم همکاری داشتیم. امیدوارم از ریتم فیلم لذت برده باشید.»

پوراحمد درباره تجربه ساخت «تیغ و ترمه» گفت: «من حدود ۵۰، ۶۰ تا فیلم تاکنون ساختم. اما هر بار که می‌خواهم فیلم بسازم همان قدر استرس دارم. هر شب فیلم برداری در استرس هستم. اما در این فیلم یک گوشه ذهنم، خیالم راحت بود که اگر کمی تردید داشته باشم و مطمئن نباشم که دوربین را کجا بگذارم. کسی هست که به من کمک می کند، او کسی نیست جز علیرضا زرین دست که جایش در اینجا خالی است. او صبح که از ساعت ۸ می آمد تا آخر شب، لبخند از لب او نمی رفت. بسیار خوش اخلاق، پرکار و بدون حاشیه است.»

او درباره انتقادی که درباره سرنوشت نامعلوم شخصیت امیر مطرح شد، بیان کرد: «حق با شماست. ما دو سکانس داشتیم درباره این شخصیت، اما حذف شد. بعد از جشنواره باید فکری برای نبود این شخصیت در فیلم کنیم تا امیر یکدفعه از فیلم غیب نشود. قطعاً آن سکانس ها را باید در جایی جا دهیم.»

کیومرث پوراحمد درباره استفاده از برخی الفاظ در فیلم گفت: «ما در فیلم کلی الفاظ داشتیم که آن را تغییر دادیم. در فیلم های آمریکایی همه جور حرفی به هم می زنند اما اگر به کسی بر خورده است من از شما و تاریخ سینما معذرت می خواهم.»

به گزارش «دنیای هوادار»، نشست پرسش و پاسخ فیلم «تیغ و ترمه» به کارگردانی کیومرث پوراحمد با حضور کارگردان، علی قائم مقام تهیه کننده، دنیا زاهدی، آویسا سجادی، لاله اسکندری و پژمان بازغی (بازیگران)، خشایار موحدیان (تدوینگر)، محمود موسوی نژاد (صداگذار)، رضا یزدانی (خواننده)، فردین خلعتبری (آهنگساز)، مهدی شیرازی (طراح چهره پردازی) و بابک اردلان (صدا بردار) در دومین روز جشنواره فیلم فجر برگزار شد.

پوراحمد ضمن خیرمقدم به حضاران درباره اظهار نظر محمود گبرلو، مجری نشست که او را از بزرگان سینما معرفی کرد گفت: «قدم ۱۹۵ سانت بود اما این اواخر به خاطر کمردرد دکتر رفتم و متوجه شدم قدم ۱۹۲ شده است.»

او با بیان اینکه چیزی که می تواند ما را نجات دهد، به نظرم جوان گرایی است، گفت: «جوانگرایی در همه موقعیت ها می تواند شخص من را به آینده ایران امیدوار کند. جوان ها که خوب می تازند. می خواستم از حضور این همه جوان در عرصه فرهنگ و هنر ابراز خوشحالی کنم.»

دینا زاهدی نیز با تشکر از حضور تماشاگران برای تماشای این فیلم، گفت: «من هم حس نوستالژی نسبت به آقای پوراحمد داشتم. فکر می کنم ۵، ۴ ساله بودم که فیلم «خواهران غریب» را دیدم. تجربه حضور در این فیلم بسیار برایم خوشایند بود.»

رضا یزدانی نیز با اشاره به حضورش در فیلم های مختلف سینمای ایران بیان کرد: «من در کارنامه کاری ام کیومرث پوراحمد را کم داشتم. بسیار خوشحالم که با او در این فیلم کار کردم.»

فردین خلعتبری از دیگر عوامل این فیلم در نشست پرسش و پاسخ فیلم «تیغ و ترمه» عنوان کرد: «آشنایی طولانی من با آقای پوراحمد اصلا برایم عادی نمی شود. شما باید آهنگساز باشید و تجربه







نگاهی به «بنفشه آفریقا» اثر «مونا زندی حقیقی»

امتیاز  
(۴ از ۵)

## کارت پستالی و ادا بازی!



مهدی تیموری

بازگرداندن فریدون به جستجوی او بروند و آن‌ها در خانه شکوه و رضا سکونت کنند؟! نهایتاً «بنفشه آفریقای» یک رضا بابک معرکه، یک معتمدآریای خوب و یک سعید آقاخانی خوب - که دیگر به خوب بودن او هم باید عادت کنیم - دارد. به علاوه یک نور و رنگ نسبتاً خوب و وسلام. این فیلم در بخش‌های بهترین بازیگری نقش اول زن، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، بهترین طراحی صحنه و لباس شانس دریافت سیمرغ را خواهد داشت.

فیلم به لحاظ کارگردانی و دکوپاژ مشکلات بعضاً پیش پا افتاده و عجیبی دارد که از دیدن آن به هنگام نمایش فیلم بسیار تعجب کردیم. در چند پلان (دستکن ۱۲ پلان) که اکثر آن‌ها هم اتفاقاً نمایی فول شات از رضا (سعید آقاخانی) است هدرروم او به طرز مبتدیانه اشتباه بسته شده و بعضاً سر کاراکتر قطع شده است! اینکه تعمدی در این کار صورت گرفته و اگر این چنین است و علت آن چیست را ما نمی‌دانیم! یا مثلاً سکانس‌های که شکوه از بازداشتگاه به خانه بر می‌گردد و قاسم، رضا و فریدون را در حالت خوابیده می‌بیند. کنترل به صورت درازکش در دستان رضاست؛ گویا شب گذشته جلوی تلویزیون خوابیده است، اما کدام تلویزیون؟! تلویزیون طرف دیگر است و رضا جهت مخالف آن خوابیده است! گویا کارگردان ما منطق بصری را لازم ندانسته! نمی‌دانم اما ظاهراً فقط وجود برخی از صحنه‌ها، کات‌ها و حتی کاراکترها مثل قاسم را هم که هرگز متوجه نشدیم! اصلاً اگر قاسم را از فیلم حذف کنیم چه خللی در روند قصه ایجاد می‌شود؟! تمام کارایی او و همسرش این است که رضا و شکوه برای

اصلاً بن مایه اصلی قصه است و نحوه دوباره تقابل و دیدار آن‌ها، بسیار گنگ، شلخته و اخته عمل می‌کند. اصلاً شکوه با پیروی از چه هدفی به دنبال شوهر سابقش می‌رود و آن «بد موقعی که منو ول کردی و رفتی» که فریدون مدام از آن می‌گوید دقیقاً چیست؟! صرفاً برای اینکه کاراکتر اصلی ما مهربان، نیکوکار و دوست‌داشتنی است و بنگاه خیریه باز کرده است؟! نه! اصلاً جور در نمی‌آید! نماهای کارت پستالی ابتدای فیلم برای فضا سازی و ایجاد حس طبیعت‌گرایی که احتمالاً قرار بوده مطابق با حس فیلم، کاراکترها و شهر و کوچه‌های فیلم باشد در بیاید اما نه به فضا سازی کمک می‌کند، نه به قصه و نه هیچ اطلاعاتی به مخاطب می‌دهد. صرفاً نماهای چشم‌نوازی است که رنگ و صحنه خوبی هم برای آن طراحی شده است. فیلم و فضا سازی اش بیشتر به تقلیدی از نماهای روستایی، زندگی انسانی و نوستالژی بازی‌های صفی یزدانیان در «در دنیای تو ساعت چند است؟» می‌ماند. با این تفاوت که در آن‌جا، تکلیف یزدانیان با خودش، آدم‌هایش، نوستالژی اش و شهری که به زیباترین شکل ممکن تصویر شده مشخص است. اصلاً فضا سازی به همین معناست و فضا سازی ای کاملاً موفق است که به معنای واقعی در خدمت فیلم باشد و در فضای شکل گرفته، روابط آدم‌ها، سوژه‌ها و حتی اشیاء توجیه داشته باشند و هر چیزی که ما در تصویر می‌بینیم در خدمت قصه باشد. اینکه یکسری رنگ و لعاب جذاب و قاب‌های فریبنده داشته باشیم برای یک «فضا سازی» موفق کافی نیست.

و نگهداری از شوهر سابقش که اساساً مشخص هم نیست برای چه از یکدیگر جدا شده‌اند، چه دلیلی دارد؟ آیا کاراکتر اصلی ما که فیلمساز قصد دارد او را مریم مقدسی جلوه کند که خودش را هر لحظه و هر ثانیه وقف این و آن می‌کند و بی‌گناه و سرشار از حس خوبی و پاکی است (بی‌هیچ پرداخت مناسبی!) دلش برای مرد سابقش تنگ می‌شود؟! اگر قضیه فقط «کمک» و «انسان دوستی» است، پس نگاه‌ها، حال و احوال‌های معنادار بین این دو دیگر برای چیست؟ اساساً به نظر می‌رسد که فیلمساز به شدت علاقمند است که چند نمای طبیعت محور بگیرد و یک سوژه جدید و شاید به نوعی بتوان گفت تابوشکن را مطرح کند و تمام سایر مسائل را هم که داخل فیلم می‌شود درآورد! تازه مشکلات دیگر را هم که طبق عرف در تدوین حل می‌کنند! رضا با بازی خوب «سعید آقاخانی» کاراکتر پیچیده‌ای است. از یک در زمانی که شکوه حضور ندارد رفاقت و مکالمه صادقانه‌ای با فریدون دارد که نشان از وجوه انسانی اوست. از طرفی دیگر با وجود اینکه ابتدا با آوردن فریدون به منزلشان موافقت کرده، رفته رفته «حسادت» و نیاز اساسی هر انسان دیگری یعنی «نیاز به توجه» را از خود بروز می‌دهد. از این‌جا به بعد، کاراکتر رضا چند بعدی می‌شود که به عقیده نگارنده تنها کاراکتری از فیلم است که به نسبت متناسب و درست پرداخت شده است؛ و البته حضور خوب سعید آقاخانی که نقش او در شکل‌گیری و هویت یافتن این کاراکتر غیرقابل انکار است. «بنفشه آفریقای» در روایت چگونگی طلاق فریدون - با درخشش رضا بابک - و شکوه (فاطمه معتمدآریا) که

«بنفشه آفریقای» دومین ساخته «مونا زندی حقیقی» زجر آور است. کند، خسته کننده و ملال آور. مشکل در «ریتیم»، «لحن» و «تمپو» فیلم نیست. مشکل حتی در ایده مرکزی و محور اصلی قصه هم نیست. ایده جسورانه، جذاب و موقعیت‌بامزه است. اینکه یک زن همراه با شوهر فعلی و سابق اش - با وجود اختلاف سنی بسیار - چند روزی را در کنار یکدیگر سپری می‌کنند موقعیت بسیار ویژه و جدیدی بود که با وجود یک فیلمنامه بسیار نحیف و بی‌مایه حسابی هدر رفته است. احتمالاً کارگردان شیفته و شیدای ایده اش شده و همه چیز را در همان سطح نگه داشته و هیچ حرف دیگری برای گفتن ندارد. شکوه (فاطمه معتمد آریا) و رضا (سعید آقاخانی) زن و شوهری هستند که تصمیم می‌گیرند همسر سابق شکوه یعنی فریدون (رضا بابک) را برای مراقبت و نگهداری نزد خودشان بیآورند. شخصیت [البته اگر شخصیت وجود داشته باشد] - فریدون شکننده، افسرده و رها از دنیا و تعلقاتش به ما معرفی می‌شود. در سوی مقابل، رضا که شوهر فعلی شکوه است، مدام با درگیری ذهنی و درونی اش در این مسئله دو به شک است که آیا این کاری که انجام داده اند تنها یک حرکت انسان دوستانه و خیر است؟ اگر چنین است پس با برچسب «بی‌غیرتی» که مدام بر خودش می‌زند چیست؟

رضا کاملاً منفعل است. هرکاری که شکوه و یا هرکس دیگری از او بخواهد تن به انجام دانش می‌دهد. هرچایی که بخواهند می‌رود، هرچیزی که بخواهند می‌خورد و... تعریف فیلمساز از رضای قصه برای ما مبهم آغاز می‌شود و مبهم هم به پایان می‌رسد؛ هم چنین شکوه! اصلاً جستجو برای یافتن



## نشست خبری فیلم «بنفشه آفریقایی»؛



خبری گفت: من در مورد موسیقی نمی خواهم صحبت کنم بلکه می خواهم در مورد فیلم صحبت کنم. من به کاراکترها و طراحی ها نگاه می کنم تا بتوانم یک قطعه را بسازم. آن قدری که کاراکترها در فضای فیلم حل شده اند و انقدر که این فیلم منسجم است و مثل زندگی است، توانستم موسیقی این فیلم را بسازم. شجاع نوری تهیه کننده فیلم در مورد طراحی صحنه توضیحاتی را ارائه داد و گفت: ما مدت ها دنبال لوکیشن فیلم بودیم. ابتدا خانه های سمت تفرش را دیدیم و در ادامه هم خانه های اطراف تهران را بازبینی کردیم تا در ادامه توانستیم این خانه را در امل پیدا کنیم. خانه ای که کاملا مخروبه بود و شهرداری می خواست آن را پارکینگ کند. ما از شهرداری اجازه گرفتیم فضای این خانه را ساختیم و رنگ کرده و گچ کاری کردیم و توانستیم این خانه را برای فیلم آماده کنیم.

زندگی حقیقی در مورد بازی ای که شکوه و فریدون در بالکن می کنند و کمی دور از باور به نظر آمدن این حالت گفت: این قسمت را من خیلی در فیلم دوست دارم. این یک نشانه ای است از یک بازی قدیمی که شکوه و فریدون در دوران زندگی شان انجام می دادند و در انتهای فیلم هم شوهر فعلی شکوه تلاش می کند تا این بازی را با شکوه تکرار کند که به دلیل حال ناخوش او این بازی به پیش نمی رود.

در فیلم یک اتفاق ویژه ای را به وجود آمد. تاس هایی که بازیگران می ریختند و مثلا جفت ۶ یا جفت ۱ می آمد همه اتفاقی بود و با یک پلان این اعداد به دست می آمد و برای ما نشانه جالبی بود. مثلا وقتی که فریدون به خانه آمد تاس جفت ۶ آمد اما وقتی رفت تاس جفت ۱ آمد. این تاس خیلی به شکل گیری روند فیلم کمک کرد.

کارگردان فیلم در خصوص زندگی شوهر سابق یک زن با آن در خانه شوهر فعلی اش در یک خانواده روستایی گفت: این خانواده روستایی نیستند و از شهر تهران به جای دیگری رفته اند. اما فکر می کنم نکته اینجاست که این زن و شوهر تلاش کرده اند با کمک هم و بدون قضاوت و با کنار گذاشتن برخی تعصبات مسائلی که در گذشته برایشان پیش آمده را حل کنند. ضمن اینکه اصلا موضوعی غیر اخلاقی در فیلم اتفاق نمی افتد.

رضا بابک در مورد تقسیم نقش ناعادلانه میان دو مرد حاضر در فیلم گفت: من این مورد را قبول ندارم و به نظرم در داستان توازن برقرار بود. سعی همه ما در این بود که بتوانیم به کاراکترهای خاص خودمان برسیم نه به چیزی برسیم که نمود بیرونی داشته باشد. خیلی از اتفاق ها بین ما فقط در یک نگاه یا یک واژه کوتاه بود. من زیاد این ناعدالتی در توزیع نقش بین دو شخصیت مرد در فیلم را قبول ندارم. یزدانیان، آهنگساز فیلم هم در بخش دیگری از نشست

# زندگی حقیقی: مسائل مطرح شده در فیلم کاملا واقعی است

به سمت جهان گیر شدن سینمای خودمان برویم باید روایتگر داستان هایی باشیم که آن را زیست می کنیم.

او گفت: همه خارجی هایی که فیلم هایی از این دست را می بینند دوست دارند زندگی در این فضای نوستالژیک را تجربه کنند. اگر ما بتوانیم فیلم هایی ارائه کنیم که در کوچه پس کوچه های ما چه می گذرد، این می تواند برای خارجی ها خوشایند باشد. البته این اصلا اتفاق آسانی نیست. باید ساخته شود تا جا بیفتد. این حالت در سینمای هالیوود یا مثلا سینمای ایتالیا هم هست. بدون آن که به این کشورها رفته باشیم دل مان برای بعضی جاها تنگ می شود. من فکر می کنم ما باید تلاش کنیم در این حوزه فیلمسازی قدم برداریم.

مونا زندگی حقیقی در مورد انتخاب نام فیلم گفت: نام فیلم در ابتدای تابستان بود و بعد نامش شد زنگاری. در ادامه کم کم خود بنفشه آفریقایی در داستان نقش ویژه ای گرفت و بالا آمد. ضمن اینکه بنفشه آفریقایی بسیار گیاه ویژه ای است و به همین علت با شخصیتی مثل شکوه همخوانی داشت. به این علت در نهایت به این اسم رسیدیم.

کارگردان فیلم در مورد مواجهه مخاطبان با تم داستان گفت: امیدوارم مخاطبان این فیلم را دوست داشته باشند. بازخوردهایی هم که دریافت کرده ام بازخوردهای خوبی بوده اند. مخصوصا خانم ها که از لحاظ شخصیتی دوست داشتند همانند شکوه باشند. حمید بابایی فیلمنامه نویس، در مورد تاس به عنوان یکی از نمادهای فیلم گفت: عناصر فیلم که در کنار هم قرار گرفته اند هر کدام معانی خاصی داشته اند. مثلا آن بازی تخته که زن و شوهر سال هاست که با هم بازی نکردند، نشانه ای است از گذشته ای که زن می خواهد از آن فرار کند یا عناصری دیگر مثل عکس جوانی های شکوه که به عنوان نشانه ای از فریدون وارد زندگی زن و شوهر می شود. مونا زندگی حقیقی در این مورد ادامه داد: وجود تاس

کارگردان فیلم «بنفشه آفریقایی» می گوید: کلیت فیلم و اینکه زنی شوهر سابقش را از خانه سالمندان به خانه می آورد و مسائلی از این دست کاملا واقعی است.

نشست خبری فیلم «بنفشه آفریقایی» با حضور مونا زندگی حقیقی (کارگردان)، رضا بابک، مریم شیرازی و ندا جبرائیلی (بازیگران)، پیمان یزدانیان (آهنگساز)، علیرضا شجاع نوری (تهیه کننده) و حمید بابایی (فیلمنامه نویس) و با مجری گری محمود گبرلو برگزار شد.

در ابتدای این نشست فاطمه معتمدآریا از طریق تماس تصویری با اهالی رسانه حاضر در نشست، گفت: به همه دوستان سلام می کنم. خیلی خوشحالم عوامل فیلم را می بینم. ممنونم از تمام زحماتی که بابت تهیه این فیلم کشیدید.

مونا زندگی حقیقی هم در مورد نحوه انتخاب و چینش بازیگرانش و حضور رضا بابک در این فیلم گفت: صددرصد آقای بابک انتخاب ما برای نقش فریدون بودند. اما در مورد آقای آقاخانی و خانم معتمدآریا چون بحث سن بازیگران مطرح بود، بعد از انتخاب خانم معتمدآریا، توصیه ایشان حضور آقای سعید آقاخانی بود که پیشنهاد بسیار خوبی بود. یکی از سختی های کار پیر کردن آقای بابک بود به گونه ای که پشت شان خم شود و تکیده شوند.

او در پاسخ به این سوال که «با توجه به واقعی بودن داستان فیلم، تا چه حد داستان پردازی کارگردان در فیلم موثر بوده» گفت: کلیت فیلم و اینکه زنی شوهر سابقش را از خانه سالمندان به خانه می آورد و مسائلی از این دست کاملا واقعی است اما برخی مسائل مثل رنگرز بودن شکوه زاییده ذهن فیلمنامه نویس است.

علیرضا شجاع نوری تهیه کننده فیلم در مورد نگاه و انگیزه اش از حضور در این فیلم و همچنان استقبال احتمالی از فیلم گفت: دنبال ساخت فیلمی بودیم که به حال دل ما ایرانی ها بیاید. اگر می خواهیم







نگاهی به «درخونگاه» اثر «سیاوش اسعدی»

## بار سنگین میراث‌دار بودن

«درخونگاه» از دو فیلم قبلی سیاوش اسعدی کار سخت‌تری بوده اما فیلم‌های قبلی‌اش سراسرتر بودند و قصه‌پردازی بهتری داشتند. با این حال تا امروز این جزو معدود فیلم‌های جشنواره بود که در آن تصویرها از سینما نشان داشتند. برگرفته از مجله دیجیکالا- نوشته صوفیا نصرالهی

حیایی و ژاله صامتی و پانته‌آ پناهی‌ها. الان داستانش لاغر است. خیلی طول می‌کشد تا به اصل ماجرا برسیم. و وقتی به اصل ماجرا رسیدیم خیلی زود همه چیز تمام می‌شود. یعنی درواقع فیلم به جای سه پرده انگار در دو پرده ساخته شده است. پرده اول طولانی‌تر و دومی کوتاه و ناکافی.

می‌ماند اما کاراکترش صاحب جهان‌بینی نیست که به او نزدیک بشویم. همدردی عمیق ما را بر نمی‌انگیزد چون برخلاف فیلم‌های مسعود کیمیایی سکانس‌هایی برای اینکه به شخصیت قهرمان‌مان نزدیک بشویم کم داریم. در حقیقت همه آنچه از رضا می‌بینیم در تقابل با اعضای خانواده‌اش شکل می‌گیرد.

موسیقی فرزین قره‌گوزلو هم کمک زیادی کرده که فضای فیلم شبیه کارهای کیمیایی از کار دربیاید. موسیقی پر حجمی که خوب ساخته شده و منطبق با حال و هوای «درخونگاه» است.

از «درخونگاه» یک سری تصاویر درخشان در ذهنم ثبت شد. سکانس ملاقات دو دوست در آسایشگاه در حالی که کلاغ‌ها در آسمان پرواز می‌کنند، همه سکانس‌هایی که پانته‌آ پناهی‌ها در آن حضور دارد از اولین مواجهه‌اش با امین حیایی تا آن سکانس کمتر دیده شده در سینمای بعد از انقلاب در آسایشگاه که قبل‌ترش با وضوح بیشتری درباره‌اش حرف زده بودند، سکانس بستنی دادن رضا به مادر بزرگ. همین سکانس‌ها نشان می‌دهد که سیاوش اسعدی سینمای تصویری را می‌فهمد.

به نظرم «درخونگاه» جا داشت که فیلم بهتری از کار دربیاید. آن هم با این بازی‌های درخشان امین

بشت این قصه ساده جهانی وجود ندارد. جهان که مثلاً کیمیایی با رفاقت میان کاراکترهایش می‌ساخت اینجانی‌تواند به آن ملاقات در آسایشگاه که اتفاقاً سکانس خوبی است، بسنده شود. این فقط در حد یک ارجاع باقی می‌ماند.

البته می‌شود تاویل‌هایی از فیلمنامه کرد که آن را صاحب جهان کند. اینکه مثلاً دائم روی هشت سال دوری رضا از خانه تاکید می‌شود که طبعاً برای ما یادآور دوران هشت سال جنگ تحمیلی است. اینکه علیرغم اینکه فیلم شبیه «حوالی اتوبان» در یک بی‌زمانی می‌گذرد اما اولش نوشته می‌شود که سال ۱۳۷۰ است و در صحبت‌ها هم می‌گویند که سه سال است جنگ تمام شده و تبعاتش خراب شدن مدرسه محله بوده. می‌شود گفت بازگشت رضا به همان معناست که انگار مهدی، برادر مفقودالاث، از جنگ برگشته باشد. اینکه بعد از بازگشت دیگر هیچ چیزی شبیه سابق نیست و از خانه و حتی هم‌خون و خانواده چیزی باقی نمانده. غریبه‌های نه چندان ظاهرالصلاح قابل اعتمادتر شده‌اند و باید به آنها پناه برد.

این‌ها ولی تفسیرهایی است که می‌شود به فیلم چسباند تا آن را عمیق‌تر بکند اما چون نمی‌خواهیم چیزی جز آنچه فیلم نشان‌مان می‌دهد به آن الصاق کنیم در حال حاضر «درخونگاه» فیلمی است که خون دارد ولی آنقدر عمیق نمی‌شود که احساسات تماشاگرش را برانگیخته کند. رضای «درخونگاه» که ادامه همه رضاهای سینمای کیمیایی است، یکه و تنها و قهرمان و غریب در میان جمع باقی

کلی فیلم درخونگاه سیاوش اسعدی را باید در همان تیتراژش پیدا کرد. وقتی می‌نویسد: پیشکش مسعود کیمیایی. اسعدی در فیلم‌های قبلی‌اش، بیشتر «حوالی اتوبان» و کمتر «جیب‌بر خیابان جنوبی»، نشان داده بود که دلبسته سینمایی کیمیایی است و راستش الان با فیلم «درخونگاه» بیشتر مطمئن می‌شوم که او در حال حاضر تنها کارگردانی است که میراث‌دار سینمای کیمیایی می‌تواند باشد.

میراث‌دار سینمای کیمیایی بودن برای فیلم «درخونگاه» هم نقطه قوت به دنبال دارد و هم نقطه ضعف. قدرتش در اینجاست که سیاوش اسعدی کارگردانی است با نگاه تصویری به سینما. قدر قاب را می‌داند. با هر مدیر فیلمبرداری که تا به حال کار کرده، از مرتضی غفوری در فیلم اولش تا علیرضا برازنده و اینجا هم تورج اصلانی، توانسته قاب‌های سینمایی چشم‌نواز به مخاطبش تحویل بدهد. این کاملاً ویژگی سینمای کیمیایی است. و سیاوش اسعدی کارگردانی است که قدر یک سکانس تعقیب و گریز یا ایستادن زیر باران جلوی خانه یک زن نه چندان آشنا و نه چندان غریبه را می‌داند و به تاثیرش آگاه است.

نقطه ضعفش اینجا می‌شود که کیمیایی خودش جهانش را ساخته بود و حالا اسعدی چون نگاهی به سینمای کیمیایی دارد، نگاهی که در آخرین فیلمش از همیشه پررنگ‌تر شده، نتوانسته هنوز جهانی برایش بسازد. فیلم قصه دارد که درباره بدی و خوبی‌اش می‌نویسیم اما



## نشست خبری فیلم «درخونگاه»؛

# اسعدی: برای دغدغه‌های شخصی ام فیلم می‌سازم



اینکه زمان زیادی برایش گذاشته بودیم نزدیک به ۱۵ دقیقه از کار را استفاده نکردیم. این با تدبیر آقای اسعدی بود. من فکر می‌کنم همه چیز را نمی‌شود در فیلم جا داد. اگر اینطور باشد دیگر اسمش فیلم نیست و سریال می‌شود.

اسعدی در پاسخ به این سوال که فیلم چرا اینقدر دیر وارد قصه می‌شود گفت: در ارتباط با ریتم فیلم اگر نکته‌ای هست. ریتم کلمه‌ای هست که ما شنیدیم و گاهی آن را با تمپو اشتباه می‌گیریم. ریتم تند اتفاق خاصی نیست. ریتم، یعنی لحن. یعنی ما از لحن درون یک فیلم‌نامه به ریتم می‌رسیم. یعنی ما از فیلم‌نامه به ریتم می‌رسیم. اگر ما ریتم را تندتر از لحن درون فیلم‌نامه کنیم، اشتباه است. بله، اینکه اگر شخصیت از همان دقایق اول متوجه نبوده پولش شود، و این شروع فیلم ما می‌شد، کار سختی نبود. من و نیما بسیار تلاش کردیم که بیننده بدون اینکه خسته شود پیش از این اتفاق را ببیند تا به نقطه مورد نظر برسد. این چالش ما بود که برابمان بسیار لذت‌بخش بود.

اسعدی درباره تقدیم کردن فیلمش به مسعود کیمیایی گفت: اولاً قصه متعلق به سال ۱۳۷۰ است، دوماً پیشکش به آقای کیمیایی دلیل دارد. من مثل بسیاری از فیلمسازان به او ارادت دارم. چون فکر می‌کنم آقای کیمیایی جریان‌سازترین فیلمساز این مملکت است. از جریان فیلم‌های او بود که بسیاری از فیلمسازان و بازیگران وارد سینما شدند. من هیچ‌وقت مراد شخصی با آقای کیمیایی نداشتم. رابطه دورادوری با او دارم. به خاطر بی‌مهری‌هایی که نسبت به آقای کیمیایی در این روزگار می‌شود، فکر می‌کردم باید فیلمم را به او تقدیم کنم. بنابراین با کسب اجازه از تهیه‌کننده این کار را انجام دادم. تا بگویم؛ شیر، پیر هم که شود، شیر است. دوست دارم زمانی که زنده است، ببیند کسی فیلمم را به او پیشکش کرده است. می‌خواستم من اولین نفر باشم. نه زمانی که دیگر در میان ما نیست.

در قاب تصویر شروع می‌شود. همانند پرده آخر یک نمایش هم به پایان می‌رسد. پایان باز فیلم هم مثل آن پایان بازهایی نیست که من با آن مخالفم. بلکه به گونه ای است که ما نمایانیم در نهایت رضا در فیلم دارد با آن پسر بازی می‌کند و او را به نحوی تحویل می‌گیرد یا واقعا سکنه کرده و مرده است.

امین حیایی در مورد درخشش در این فیلم و احتمال برنده شدن سیمرغ گفت: فیلم‌های دیگر و بازی‌های خوب دیگری هم در جشنواره حضور دارند و در نهایت باید ببینیم نظر مردم و داوران چیست.

کارگردان فیلم درخونگاه هم در خصوص برخی ابهامات فیلم مثل روند آزاد شدن رضا از زندان و یا نقش برادر در فیلم گفت: اگر شما برای دعوا به زندان بروید، بعد از دو سه روز به دادگاه می‌روید و در نهایت با روبوسی ختم به خیر می‌شود. ما در این موارد کمی روی هوش مخاطب هم حساب کرده ایم و نخواستیم همه چیز را به تصویر بکشیم.

ژاله صامتی در پاسخ به این سوال که برای بازی نقشش چقدر به شخصیت توپا در فیلم «زیر پوست شهر» توجه داشته، گفت: من اصلاً این شخصیت را در نظر نداشتم و فکر می‌کنم شباهت آنها به دلیل مادر و ایرانی بودن است.

اسعدی درباره علت حضور مادر بزرگ در فیلمش گفت: همیشه چنین پیرزن‌های بامزه‌ای در همه فیلم‌هایم هست. مادر بزرگ به نظرم ستون خانواده است. اینکه دلایلش چه چیزی هست را دوست ندارم بگویم. همیشه از گفتن این دلایل پرهیز می‌کنم. چون مطمئنم اهالی مطبوعات آنقدر باهوش هستند که خودشان کشف خواهند کرد.

او ادامه داد: اگر قرار باشد به شکل ترازویی به کارهایم نگاه کنیم، طرف ترازوی کارهای اجتماعی من در تمام سال‌های فعالیتیم در تلویزیون و سینما سنگین‌تر است. سهراب‌پور افزود: بعد از اینکه کار تمام شد، بخش عمده‌ای از فیلمبرداری فیلم «درخونگاه» به واسطه

دشواری را طی کرد و ما چندین ماه درگیر نگارش آن بودیم. من و سیاوش برای تبدیل نمایشنامه به فیلم‌نامه بسیار تلاش کردیم. این اولین تجربه این شکلی من بود و در طی این روند، بسیار پخته شدم. امیدوارم امشب نقدهای خوبی بشنوم که به من نکات بیشتری بیاموزد. مهراوه شریفی‌نیا هم با اشاره به اینکه چند ماه درگیر بازی در این فیلم بود بیان کرد: به خاطر بازی در این فیلم حضور در چند فیلم را از دست دادم، اما به خاطرش خوشحال هستم. حضور در فیلم «درخونگاه» کلاس درس بزرگی بود.

ژاله صامتی بازیگر دیگر این فیلم در پاسخ به این سوالی درباره نحوه حضورش در فیلم، گفت: شروع یک کار، در ابتدا خواندن فیلم‌نامه‌اش و اسم کارگردان و تهیه‌کننده است. من همیشه معتقد هستم که آدم خوش‌شانسی‌ام. به همین دلیل همیشه کارهای خوبی به من پیشنهاد می‌شود.

نادر فلاح هم درباره همکاری‌اش با سیاوش اسعدی عنوان کرد: من زمانی به «درخونگاه» دعوت شدم که تصمیم گرفته بودم نقش‌های کوتاه را بازی نکنم. به لطف سیاوش اسعدی من به این فیلم دعوت شدم و متوجه شدم چقدر اشتباه می‌کردم.

امین حیایی در مورد شخصیت رضا در این فیلم و داشتن دو شخصیت درونگرا و برونگرا در فیلم گفت: من طی این سال‌ها به تجربه ای رسیدم که نگاه کارگردان و نویسنده به بازیگر بسیار عمیق‌تر از من به نقش است چون آن‌ها ماه‌هاست که این نقش را پردازش کرده اند. به خاطر همین ترجیح دادم به تشخیص این دو نفر اعتماد کنم و طبق فیلم‌نامه پیش بروم. به قدری متن دیالوگ‌ها درست و دقیق نوشته شده بود که فقط کافی بود من فقط آن متن را حفظ و اجرا کنم. حساسیت کارگردان در نهایت باعث شد تا این شخصیت ساخته شود و مورد پسند واقع شود.

در بخش دیگری از این نشست پرسش و پاسخ، اسعدی در مورد ضد جنگ بودن فیلمش گفت: جنگ قطعاً چیز خوبی نیست. ما ضد جنگیم. قهرمان فیلم ۸ سال به ژاپن رفته‌این ۸ سال را می‌توان به جنگ ربط داد یا حتی به ۸ سالگی پسر من. حالا هرکس می‌تواند این ۸ سال را به چیزی ربط بدهد.

اسعدی ادامه داد: فیلم با یک نمایش و گردش طاووس

اسعدی تاکید کرد: قطعاً برای زدن حرف‌هایی و به خاطر دغدغه‌های شخصی فیلم می‌سازم. اما اگر قرار باشد این حرف‌ها و دغدغه‌ها را در کلام بگویم تبدیل به شعار می‌شود.

نشست خبری فیلم «درخونگاه» با حضور سیاوش اسعدی (کارگردان)، منصور سهراب‌پور (تهیه‌کننده)، امین حیایی، مهراوه شریفی‌نیا، محمود جعفری، نادر فلاح، ژاله صامتی (بازیگران)، توج اصلائی (مدیر فیلمبرداری)، آرزو حلاجی (طراح گریم)، نیما نادری (نویسنده)، روزبه معین (مشاور پروژه)، علیرضا علویان (طراح و ترکیب صدا) و مجید علی‌اسلام (طراح صحنه) در دومین روز جشنواره فیلم فجر برگزار شد.

در ابتدای نشست پرسش و پاسخ، اسعدی با اشاره به اینکه از حضورش در جشنواره برای سومین بار خوشحال است گفت: نمایش فیلم برای اهالی رسانه همیشه برایم جذاب‌ترین و خوشمزه‌ترین بخش جشنواره بوده است.

او در پاسخ به سوال مجری که پرسید چه شد که «درخونگاه» را ساخت، عنوان کرد: من همیشه نقدی نسبت به چنین سوالاتی دارم. من فیلمساز هستم. باید فیلم بسازم. بد است که دیر به دیر فیلم می‌سازم. این حرفه من است. بنابراین وقتی فیلمی ساختم، دیگر نباید از من پرسید که چه شد این فیلم را ساختم. مگر اینکه مثلاً من سال‌ها فیلم کمدمی بسازم و بعد یک‌دفعه سبک دیگری فیلم بسازم.

اسعدی تاکید کرد: قطعاً برای زدن حرف‌هایی و به خاطر دغدغه‌های شخصی فیلم می‌سازم. اما اگر قرار باشد آن را بگویم تبدیل به شعار می‌شود.

امین حیایی بازیگر این فیلم نیز درباره حضورش در «درخونگاه» بیان کرد: فیلم‌نامه فیلم را در ابتدا خواندم و برایم بسیار جذاب بود. دیالوگ‌های بسیار خوبی داشت. اولین باری که با آقای اسعدی درباره فیلم‌نامه و نقش صحبت کردیم، من عاشقش شدم. احساس کردم نقش متفاوت است. من اغلب طنز کار کردم، اما در اینجا شخصیت جدی بود. من همکاران بسیار خوبی در این فیلم داشتم. امیدوارم باز هم از این نوع فیلم‌ها ساخته شود.

نیما نادری در ادامه نشست پرسش و پاسخ، درباره این فیلم گفت: «درخونگاه» در بخش فیلم‌نامه مسیر





محمد شریعتمداری:

### حقوق بازنشستگان با ۳۰ هزار میلیارد تومان همسان می شود

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همسان سازی حقوق بازنشستگان را «نیازی اساسی و مهم» دانست و گفت: بر اساس برآوردها، برای این کار حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز داریم که این رقم برای امسال است و در سال آینده این میزان تغییر می کند.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ایرنا، محمد شریعتمداری افزود: به طور طبیعی تاکنون در بودجه عمومی امکان تامین این منابع وجود نداشته است و اگر خلق منبعی جدید در مجلس صورت بگیرد، با توجه به اینکه تغییرات اعمالی نمایندگان مجلس در بودجه بسیار محدود است، احتمال دارد اجرای همسان سازی به تاخیر بیفتد.

وی اضافه کرد: یکی از مهمترین نیازهای امروز جامعه مرتبط با قشری است که اگر صحبت از کرامت و عزت انسانی می کنیم، شایسته ترین انسان ها به شمار می روند؛ زیرا پس از ۳۰ سال خدمت بازنشسته شده اند و امروز با این بازنشستگی متکفل برخی از امور فرهنگی، اخلاقی و فکری هستند و باید از آرامش خاطر در زندگی برخوردار باشند که لازمه آن بهره مندی از حداقل هاست. بنابراین این حقشان است و به لطف و کرامت ما نیازی نیست.

شریعتمداری تصریح کرد: معتقدیم عزت و کرامت ما در آینده به این بستگی دارد که امروز چگونه بازنشستگان را می بینیم؛ توصیه می شود به این موضوع توجه ویژه شود تا در آینده شاهد شرایط بهتری برای آنها باشیم. این افراد در شرایط تحریم بیشتر تحت تاثیر قرار می گیرند و باید برای آنها اقدام جدی شود.

#### به اصلاح پارامتریک نیازمندیم

شریعتمداری در پاسخ به این سوال که آیا برای افزایش سن بازنشستگی برنامه ریزی شده است، گفت: مفهومی تحت عنوان «اصلاحات پارامتریک» یک مساله اساسی در نحوه ارائه خدمات است. برخی افراد معتقدند ما به طور گشاده دستانه در زمینه ارائه خدمات دوران بازنشستگی، از کارافتادگی و تامین درمان در قوانین و مقررات پیش رفته ایم اما جامعه کارگری و بازنشستگان نظر معکوسی به این موضوع دارند.

وی اصلاحات پارامتریک را ضروری دانست و ادامه داد: اصلاحات پارامتریک با اینکه امری قابل بررسی است، آثار اجتماعی خاص خود را دارد و باید با دقت در مورد آن صحبت شود و نمی شود برخی خدمات را حذف کرد؛ می شود به صورت فیزیکی حساب بستنکار و بدهکار را با یکدیگر تطبیق داد اما با یک جامعه زنده و مهم روبرویم که باید درباره آنها تصمیم معقول گرفته شود و یکی از راه ها اصلاحات پارامتریک است.

### استاندار البرز:

## البرز با افتخار به گذشته و امید به آینده روی ریل توسعه قرار دارد



نماینده عالی دولت در استان البرز گفت: نمایشگاه دستاوردهای چهل ساله انقلاب در البرز دارای ۷۵ غرفه دستگاه های اجرایی و ۳۰ غرفه اقوام مختلف است و از شنبه ۱۳ تا ۱۹ بهمن ماه آماده پذیرایی از عموم مردم است.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استانداری البرز، دکتر شهبازی در بازدید از روند آماده سازی نمایشگاه دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی در استان البرز با اشاره به گرمیهای این ایام الله دهه مبارک فجر و جشن چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی افزود: این ایام یادآور رشادت ها، شهادت ها و ایثارگری های فرزندان این مرز و بوم است.

وی ادامه داد: نمایشگاه دستاوردهای چهل ساله انقلاب در البرز دارای ۷۵ غرفه دستگاه های اجرایی و ۳۰ غرفه اقوام مختلف است و از شنبه ۱۳ تا ۱۹ بهمن ماه در معرض دید عموم مردم قرار می گیرد.

گزارشی از اقدامات حوزه خود در اختیار رسانه ها قرار می دهند. وی با اشاره به اینکه برای تنظیم بازار شب عید نیز نظارت کافی وجود دارد، گفت: با برنامه ریزی دستگاه های مرتبط و شهرداری ها قرار است که نمایشگاه ها عرضه مستقیم کالا نیز برای روزهای پایانی سال برگزار شود.

بهترین دستاوردهای خود را در طول چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی به منصفه ظهور بگذارند. استاندار البرز عنوان کرد: در پایان این نمایشگاه نیز عملکرد غرفه های مورد ارزیابی قرار گرفته و از غرفه های برتر تقدیر می شود. دکتر شهبازی افزود: مدیران دستگاه های اجرایی با حضور در نمایشگاه

دکتر شهبازی گفت: در این نمایشگاه بخشی از دستاوردهای حوزه های مختلف صنعت، کشاورزی، فناوری های نوین، میراث فرهنگی، شهرداری ها، اقوام مختلف، سازمان های مردم نهاد و... به نمایش گذاشته می شود. وی افزود: امید است دستگاه های اجرایی و سازمان های مردم نهاد

### موج جدید کاهش قیمت دلار در راه است؛

## دلار ۸ هزار تومانی هم گران است!

سوءاستفاده گران و فرصت طلب ها شود. نماینده مردم اورامانات در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه دلالتان و سوءاستفاده گران با بزرگنمایی ها، سرنوشت بازار ارز را به رد یا قبول پالرمو و SPV گره می زند، اظهار داشت: این افراد با این بهانه ها می خواهند کسب و کار خود را با فروش با نرخ بالا، رونق دهند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: قیمت دلار باید در حدود نرخ دلار در بازار ثانویه باشد و دلار ۸ هزار تومانی نیز براساس مولفه های اقتصادی گران است.

نباید ریسک کرده و فریب دلالتان را بخورند چراکه همانند گذشته متضرر می شوند، افزود: بانک مرکزی به دلالتان و سوءاستفاده گران بازار ارز به درستی هشدار داده است، چراکه پیش بینی می شود کاهش قیمت ارز در روزهای آینده رخ دهد و حرف هایی که امروز توسط جویان و دلالتان در فضاهای مجازی مطرح می شود، به واقعیت تبدیل نمی شود.

وی ادامه داد: بانک مرکزی با هوشیاری و مدیریت صحیح بازار، قیمت ارز را تعدیل می کند، لذا پیش بینی می شود موج جدید کاهش قیمت ارز در راه است و بانک مرکزی می تواند قیمت ارز را کاهش داده و مانع فعالیت

براساس مولفه های اقتصادی گران است. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از خانه ملت، شهاب نادری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به هشدار رییس کل بانک مرکزی به نوسان گیران مبنی بر اینکه منتظر اقدام بانک مرکزی در بازار ارز باشید، گفت: دلالتان با فضای تبلیغاتی می خواهند اینگونه در جامعه القاء کنند که قیمت دلار و کالاها در جامعه افزایش می یابد و بر این موج سوار شده و قیمت ها را افزایش داده و سود خود را کسب کنند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اینکه مردم



شهاب نادری با بیان اینکه کاهش قیمت ارز در روزهای آینده رخ می دهد گفت: حرفهایی که امروز توسط جویان و دلالتان در فضاهای مجازی مطرح می شود واقعیت ندارد ضمن اینکه حتی دلار ۸ هزار تومانی

### ابلاغ اتهام

سرکار خانم خاتمه مریم پرهام - فرزند محمد - شاغل در مجتمع آموزشی درمانی امام علی (ع) نظر به اینکه پرونده شما در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز به علت غیبت غیر موجه در دست بررسی میباشد و به علت عدم دسترسی به آدرس محل سکونت، بدینوسیله به شما ابلاغ میگردد که از تاریخ نشر آگهی حداکثر به مدت ۱۰ روز فرصت داده خواهد شد تا دفاعیه کتبی خود را به همراه مدارک مورد استناد به دفتر هیات واقع در کرج - بلوار طالقانی شمالی بالاتر از میدان طالقانی شهرک اداری - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز به دفتر هیات رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تسلیم نمائید.

بدیهی است پس از انقضای مهلت تعیین شده و عدم مراجعه جهت تسلیم دفاعیه و مدارک مربوطه بر طبق ماده ۱۸ آئین نامه قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان اقدام خواهد شد.

شناسه آگهی: ۳۶۶۷۵۶ - رییس هیات

طومارهایی اعتراضی نسبت به سخنران ۲۲ بهمن نوشته شده است. اعتراضی که دوستان دارند اعتراض به جایی است. البته این دعوت متوجه خود استان نیست. درباره اصل این موضوع هفته آینده صحبت خواهیم کرد که وظیفه ما چه خواهد بود، اما یک هفته فرصت می دهیم که ببینیم دوستان تدبیر می کنند یا نه. ما می خواهیم کاری انقلابی انجام دهیم پس باید تمام شنویش رعایت شود. ان شاء الله ملاحظه کنند و هزینه برای استان و منطقه و کشور درست نکنند.

ایت الله حسینی همدانی  
 نماز جمعه ۹۷/۱۱/۱۲



۲۲ بهمن جشن انقلاب است

**سخنران این مراسم باید انقلابی باشد**